

Professional Competencies of Religious Education Instructors (Presenting a Framework Aligned with Wisdom 90 of *Nahj al-Balagha*)

Fatemeh Farhadian¹, Seyyed Somayeh Mahallati²

¹ Master's degree, Department of Psychology; Level 3 student, Ahl al-Bayt (AS) Higher Education Institute, Isfahan, Iran (**Corresponding author**). f.farhadyan.169@gmail.com

² Level 3 student, Theology Department, Ahl al-Bayt (AS) Higher Education Institute, Isfahan, Iran. s.mahalati@gmail.com

Abstract

The aim of the present research is to examine religious education and the professional competencies of instructors based on Wisdom 90 of *Nahj al-Balagha*. The research methodology is descriptive-analytical, and the findings indicate that fear (*khawf*) and hope (*raja*) are fundamental ethical principles that hold significant importance in the realm of education. Religious education instructors possess competence when they are devoted, God-conscious, and possess comprehensive knowledge. Among the methods that competent professional instructors employ to instill fear and hope in people are: encouragement and reprimand, exemplary methods coupled with lessons learned, sermons and advice, moderation in behavior, and gentleness in speech.

Keywords: Religious Education, Fear and Hope, Educator, *Nahj al-Balagha*, Professional Competencies.

Received: 2024/01/17 ; **Revision:** 2024/03/14 ; **Accepted:** 2024/04/20 ; **Published online:** 2024/06/30

Publisher: Teacher-Propagator Training Center of Seminaries
<https://tarbiatmotali.ismc.ir/>

Article type: Research Article
© the authors



صلاحیت‌های حرفه‌ای مربیان تربیت دینی (ارائه چارچوبی همسو با حکمت ۹۰ نهج البلاغه)

فاطمه فرهادیان^۱، سیده سمیه محلاتی^۲

^۱ کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی؛ طلبه سطح ۳، موسسه آموزش عالی اهل البیت (ع)، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

f.farhadyan.169@gmail.com

^۲ طلبه سطح ۳، گروه کلام، موسسه آموزش عالی اهل البیت (ع)، اصفهان، ایران. s.mahalati@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تربیت دینی و صلاحیت‌های حرفه‌ای مربیان براساس حکمت ۹۰ نهج‌البلاغه بوده است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و یافته‌ها نشان می‌دهد که، خوف و رجاء یکی از اصول اخلاقی است که در امر تربیت اهمیت زیادی دارد و مربیان تربیت دینی زمانی دارای صلاحیت هستند که عابد و خدانشناس، و دارای معرفت کامل باشند. ازجمله روش‌هایی که مربیان حرفه‌ای دارای صلاحیت برای ایجاد خوف و رجاء در مردم از آن بهره می‌برند، عبارتند از: تشویق و تنبیه، روش‌های الگویی همراه با عبرت‌آموزی، موعظه و نصیحت، اعتدال در رفتار و ملائمت در گفتار.

کلیدواژه‌ها: تربیت دینی، خوف و رجاء، مربی، نهج‌البلاغه، صلاحیت‌های حرفه‌ای.

۱. مقدمه

تربیت، ازجمله مباحثی است که در طول تاریخ مورد توجه نوع بشر بوده و اقدام در جهت تربیت انسان‌ها از جوامع ابتدایی و انسان‌های اولیه گرفته تا جوامع متمدن و انسان‌های فرهیخته، وجود داشته و دارد. گرچه تربیت در میان اقوام مختلف و در سیر تاریخی‌اش، ظهور و بروز متفاوتی داشته و به شیوه‌های گوناگون اعمال گردیده؛ اما تجلی تمامی این اقدامات، گویای درک انسان‌ها از ضرورت تربیت بوده است. نهج‌البلاغه زبان قرآن و قرآن جامع‌ترین برنامه جهت تربیت مربی و متربی است. تربیت، نیازمند آموزش است و نهج‌البلاغه یکی از کتاب‌های آموزشی محسوب می‌گردد؛ که مباحث اخلاقی مربوط به تربیت را در خود جای داده است. در حکمت ۹۰ نهج‌البلاغه امام علی (ع) خوف و رجاء را که یکی از مهم‌ترین ارزش‌های اخلاقی است، بیان فرموده و انسان را به ترس در مقابل خداوند و امید داشتن در برابر ایشان دعوت نموده است. فلسفه وجودی دین اسلام، ناشی از نیاز بشر به هدایت است. پیامبران الهی، این نخستین مربیان انسان، نقش تربیتی خود را در راستای هدایت مخاطبان خویش به‌خوبی ایفا نموده‌اند (حدید، ۲۵)؛ با این حال در تداوم این حرکت، باید برنامه جامع‌ی برای هدایت آحاد مردم به‌سوی اهداف دین حق طراحی شده و در آن، صلاحیت‌های حرفه‌ای برای مربیان دین مشخص شود و در نهایت، به‌صورت عملی به اجرا درآید.

اهمیت و ضرورت موضوع از آن‌رو است که انسان، موجودی در معرض انواع مخاطرات و تهدیدهای درونی و بیرونی است؛ پس برای کمک به او در رویارویی مناسب با خطراتی نظیر وسوسه شیطان، غلبه هواهای نفسانی (اعراف، ۲۲؛ ناس، ۵؛ یوسف، ۵۳) و عوامل ناشایست محیطی و... باید جریانات اجتماعی (تربیت)، از بیرون و توسط خیرخواهان جامعه، کمک‌های فکری و عاطفی لازم را به این موجود در معرض انواع خطر و تهدید، سامان دهند و او را در حرکت اختیاری و آگاهانه به‌سوی کمال شایسته یاری دهند. همچنین، پیشرفت همه‌جانبه و پایدار هر جامعه، نیازمند وجود انسان‌های مؤمن متعهد، خلاق، کارآمد، منضبط، دارای انگیزه، امیدوار، فعال و درست‌کاری است که در حرکت جامعه به‌سوی پیشرفت موردنظر، نقش اساسی ایفا می‌نمایند. بی‌تردید، فرآیند تربیت در همه انواع آن، یگانه سازوکار مطمئنی است که با تمهید رشد همه‌جانبه استعدادها و تنظیم متعادل عواطف افراد جامعه و راهنمایی ایشان به سوی تکوین و تعالی پیوسته هویت خود براساس نظام مقبول جامعه، این حرکت دشوار، حیاتی و گریزناپذیر را به سرانجام خواهد رساند (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰، ص ۱۲۹). با توجه به مسائل مطرح‌شده، این سؤال‌ها پیش می‌آید که صلاحیت‌های حرفه‌ای مربیان در امر تربیت دینی در چارچوب همسو با حکمت ۹۰ نهج‌البلاغه چگونه

مطرح شده است؟ منظور از تربیت دینی و صلاحیت حرفه‌ای مربیان چیست؟ حکمت ۹۰ نهج البلاغه به کدام یک از اخلاق تربیتی اشاره دارد؟ درخصوص تعلیم و تربیت دینی و همچنین اصول اخلاقی در امر تربیت، مقالات و کتاب‌های فراوانی نوشته شده است که برخی از آنها عبارتند از:

حسن‌زاده تهرانی و باقری مفرد (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان «تربیت دینی از نگاه نهج البلاغه»، با بررسی جایگاه سخن و سکوت و نقش آن در تربیت دینی با محوریت کتاب نهج البلاغه، نشان دادند که امام علی (ع) فواید سخن را در اموری چون راستگویی، شکرگزاری، دعا و استغفار برشمرده است و به‌طور مفصل‌تر آفات سخن را در اموری چون دروغ، غیبت، زخم زبان، تهمت و افتراء، تملق، خودستایی، سخن‌چینی، افشای راز و اهانت و توهین ذکر کرده و آنها را نکوهش کرده است. علوی‌زاده (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «تربیت اسلامی از دیدگاه امام علی (ع)»، تصویری از تربیت اسلامی و به‌طور کلی نقش الگوی تربیتی والدین با استفاده از دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه ارائه کرده است. روش پژوهش در محدوده روش‌های توصیفی-پیمایشی و نوع تحقیق، کاربردی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند، والدینی که به نقش خدا در زندگی و تربیت از دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه، اهتمام داشته‌اند؛ در تربیت، تأثیر مستقیمی داشته و اخلاص در آموزه‌های دینی والدین با تربیت از دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه رابطه معناداری دارد. حیدری (۱۳۸۴)، در پژوهشی با عنوان «خوف و رجاء و پیامدهای تربیتی آن در متون دینی»، و رزمجو (۱۳۶۹)، در پژوهشی با عنوان «دریچه‌ای گشوده بر آفتاب (نهج البلاغه و مبانی حکومت اخلاق و تربیت)»، درباره نهج البلاغه و مبانی اخلاق و تربیت در نهج البلاغه مباحثی مطرح کرده‌اند. نوآوری پژوهش حاضر نسبت به مطالعات پیشین، بررسی صلاحیت‌های حرفه‌ای مربیان تربیت دینی است؛ که با محوریت قرار دادن حکمت ۹۰ نهج البلاغه، که براساس خوف و رجاء است، تبیین خواهد شد.

۲. مفاهیم پژوهش

قبل از هرچیز، بررسی واژه‌های اصلی بحث مورد نظر، ازجمله واژه‌های «تربیت» و «خوف و رجاء» ضروری است.

۲-۱. تربیت

تربیت از ریشه «ربو» و باب تفعیل است؛ به معنای بزرگ کردن متربی و پرورش جسمانی او (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، باب ربو). این واژه، در متون اسلامی مانند قرآن و ادعیه، به کار رفته است. اصل معنا در ماده «تربیت»، سوق پیدا کردن به سوی کمال و رفع کمبودها است. فرق نمی‌کند که از نظر ذاتیات و

عوارض، اعتقادات و معارف، صفات و اخلاقیات و یا اعمال و آداب متداول در انسان یا حیوان و نبات باشد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ص ۲۰-۲۲). با توجه به جامعیت تربیت اسلامی و مقدمه بودن پرورش جسمانی برای تربیت و پرورش روح و عقل و قلب، نارسایی ریشه رבו در تعریف تربیت اسلامی آشکار می‌گردد؛ از این رو، به نظر می‌رسد، واژه تربیت از ریشه اصلی ربب باشد؛ که به معنای تدبیر و هدایت الهی انسان به سوی کمال روحی و معنوی موجود است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۱، ص ۱۰). شهید مطهری معتقد است: «تربیت واقعی عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعداد درونی که بالقوه در یک شیء است را به فعلیت درآوردن و پروردن» (مطهری، ۱۳۶۴، ص ۳۸).

۲-۲. خوف و رجاء

خوف، مصدر عربی است به معنای ترس. واژه رجاء و مشتقات آن (رجوا و رجاء)، از ریشه «رجو» و به معنای امیدوار بودن، امید داشتن و نترسیدن است (دهخدا، بی تا، ج ۶، ص ۸۸۹۵-۱۴۵۲؛ مرکز کامپیوتری علوم اسلامی، ۱۳۹۲، ص ۲۴؛ نفیسی، بی تا، ج ۵، ص ۱۶۳۳). در اصطلاح، «خوف و رجاء حالت بیم از عدل و عذاب خداوند و امید به فضل و کرم او است و خصلت والای رجاء با مشاهده فضل و کرم خداوند متعال به بندگان، و صفت ارزشمند خوف با مشاهده عدل و وعیدهای الهی به عذاب ابدی بر اثر گناه و نیز نقص و کوتاهی بندگان در مقام بندگی، در نفس مؤمن حاصل می‌شود. رذیلت مقابل رجاء، یأس از رحمت خداوند و رذیلت مقابل خوف، ایمنی از مکر او است؛ که هر دو از گناهان کبیره‌اند (زیبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۳۲۰؛ بهبهانی، ۱۴۱۷ق، ص ۷۳۲).

از این عنوان، در باب جهاد و امر به معروف و نهی از منکر سخن گفته شده است. خوف و رجاء در آیات متعدد، از ویژگی‌های پیامبران و مؤمنان شمرده شده است (اعراف، ۵۶؛ اسراء، ۵۷؛ انبیاء، ۹۰؛ سجده، ۱۶؛ زمر، ۹). در روایات نیز بر تحصیل این دو خصلت ارزشمند و تحصیل اسباب آن دو، تأکید شده است (حرّعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۲۱۶). خوف از عدل و عذاب خداوند و امید داشتن به فضل و کرم او و عمل به مقتضای آنها؛ یعنی «ترك گناه و انجام دادن طاعات، بر مؤمن واجب است» (هاشمی شاهرودی، بی تا، ج ۶، ص ۶۱۶).

۳-۲. حکمت ۹۰ نهج البلاغه

امام علی (ع) در حکمت ۹۰ نهج البلاغه فرمودند: «وَقَالَ (عليه السلام): الْفَقِيهُ كُلُّ الْفَقِيهٍ مَنْ لَمْ يَقْنَطِ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، وَلَمْ يُؤْيِسْهُمْ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ، وَلَمْ يُؤْمِنْهُمْ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ؛ فقیه کامل کسی است که مردم را از آمرزش خدا مأیوس، و از مهربانی او نومید نکند، و از عذاب ناگهانی خدا ایمن نسازد».

۳. صلاحیت مربیان تربیت دینی از دیدگاه امام علی(ع)

اصلاح نظام آموزشی اسلامی در گرو تربیت صحیح است. تربیت، از بایسته‌های بشری است که هریک از مکاتب تربیتی باید به آن توجه نماید. یکی از اصول اساسی در امر تربیت، وجود مربی با اخلاقی است که این وظیفه خطیر را به‌درستی انجام دهد. پیامبران الهی، نخستین مربیان انسان، نقش تربیتی خود را در راستای هدایت مخاطبان خویش، به‌خوبی ایفا نموده‌اند (حدید، ۲۵). در ادامه حکمت به این نکته اشاره شده که، زمانی می‌توان فقیه را «کامل» خطاب کرد که تعادلی بین خوف و رجاء برقرار نموده باشد. برقرار کردن تعادل بین خوف و رجاء، به‌قدری مهم است که در برخی روایات، شرط ایمان معرفی شده است و بدون آن، بنده، مؤمن حقیقی نیست. امام صادق(ع) فرمود: «لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ خَائِفًا رَاجِيًا وَ لَا يَكُونُ خَائِفًا رَاجِيًا حَتَّى يَكُونَ عَامِلًا لِمَا يَخَافُ وَ يَرْجُو؛ مؤمن، مؤمن نیست تا اینکه خائف و امیدوار باشد و خائف و امیدوار نیست تا اینکه به آنچه از آن می‌ترسد و به آن امید دارد، عمل‌کننده باشد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷۱؛ مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۹۷، ص ۱۵۰). امام علی(ع) فرمودند: «أَفْضَلُ الْمُسْلِمِينَ إِسْلَامًا مَنْ كَانَ هَمُّهُ لِأَخْرَءَ وَ اعْتَدَلَ خَوْفُهُ وَ رَجَاؤُهُ؛ برترین مسلمانان در اسلام، کسی است که همتش برای آخرتش باشد و خوف و رجایش هم‌وزن باشد» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۸۳). خوف و رجاء، دو عامل روحی‌اند که در تربیت انسان، به‌ویژه در تربیت اصلاحی نظام آموزشی اسلامی، تأثیر به‌سزایی دارند. اگر امید به مغفرت و آمرزش خدا در روح انسان نباشد، هرگز بشر به فکر اصلاح خویش نمی‌افتد و نه‌تنها به فساد و کج‌روی خود ادامه می‌دهد؛ بلکه بر فساد خویش افزوده و آن را دوچندان می‌کند و اگر خوف و بیمی در کار نباشد، انسان خود را برتر و برگزیده خدا و بی‌نیاز از اطاعت می‌داند و هرگز اطاعت را پیش نمی‌گیرد و از گناهی اجتناب نمی‌ورزد (سبحانی، ۱۳۷۷، ص ۲۷۱).

۳-۱. حقیقت خوف و رجاء

واژه «خوف» در برابر واژه «امن» قرار دارد و در مورد ترس دنیوی و اخروی (پسندیده و ناپسند) به‌کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، ماده «خوف»). «خوف» در اصطلاح، حالتی ناشی از شناخت خدا است؛ به این لحاظ که قادر است نعمت‌های دنیا را در آینده سلب کند و از نعمت‌های آخرتی محروم سازد؛ و «رجاء»، حالتی ناشی از شناخت خدا است، به این لحاظ که می‌تواند در آینده نیز به اعطای این نعمت‌های دنیایی ادامه دهد و از نظر کمی و کیفی، آن را بيفزاید و از نعمت‌های بزرگ اخروی نیز برخوردار سازد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۸۵). بنابراین، از آنجایی که اساس رابطه مربی و متربی بر پایه تربیت است؛ در رابطه مربی و متربی، تقویت صفت رجاء در بندگان، از طریق صفات جلال

پروردگار که مهم‌ترین آنها رحمت است، صورت می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۱، ص ۳۰). هیچ چیز به‌سان رحمت، آسان‌گیری و نرمش، در تربیت آدمی و رشد صحیح عواطف انسانی مؤثر نیست؛ زیرا بدین وسیله است که روح آدمی تلطیف و تعدیل می‌شود. از این‌رو، بهترین راه ورود به قلب‌ها و تربیت انسان‌ها، ایجاد میل و رغبت است؛ که جز براساس آیینی ملایم فراهم نمی‌شود (رفیعی محمدی، ۱۳۸۹، ص ۳۲). از ویژگی‌های ذاتی انسان، توجه به دفع ضرر احتمالی است؛ زیرا انسان، از زیان‌گریزان است و سعی می‌کند پیامدهای رفتار خود را بسنجد؛ که اگر دارای پیامد منفی و ترس‌آور باشد، از آن بگریزد و یا به اصلاح رفتار خود بپردازد. بر همین اساس است که در روایات، از «خوف» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده از گناه یاد شده است. امام سجاد(ع) به دلیل نقش بازدارندگی «ترس» از گناه، در خطبه‌های جمعه همگان را به آن دعوت می‌کند و می‌فرماید: «دل‌هایتان را سرشار از ترس (از عذاب) خدا کنید؛ چون اگر کسی از چیزی بترسد، از آن حذر می‌کند و اگر کسی از چیزی حذر داشت، آن را ترک خواهد کرد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۷۴). همانگونه که انسان در سرشت خویش از خصیصه دفع ضرر احتمالی برخوردار است؛ به همان میزان نیز به دنبال جلب منفعت بوده و در نهاد او روحیه طمع و امید وجود دارد و برای رسیدن به منفعت، امید در او برانگیخته می‌شود و همین امر، موجب اصلاح رفتار و تربیت صحیح می‌گردد. امام علی(ع) در پاسخ مردی که از امام درخواست اندرز کرد، فرمود: «از کسانی مباش که بدون عمل صالح به آخرت امیدوار است» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۰). بنابراین، می‌توان چنین برداشت نمود که مربیان دینی وظیفه دارند ترس و امید را به صورت متعادل به مردم آموزش دهند. لازمه این امر ایجاد آگاهی است تا مردم در حین آنکه با ترس از خداوند و دوری از شرّ، ضررهای احتمالی را دفع می‌کنند، بدانند نباید از منفعت حاصله (دنیوی و اخروی) غافل شوند.

۲-۳. خوف و رجاء ابزار تربیت در همه عرصه‌ها

موضوع خوف و رجاء، تنها در اخلاق بندگی و در رابطه انسان و خداوند مطرح نیست؛ بلکه در جای‌جای مباحث تربیت - تربیت فردی، خانوادگی و اداره اجتماع - به‌کار می‌آید. همراه بودن بیم و امید در تربیت فرزندان، عامل پیشرفت آنان در عرصه علم و اخلاق و ادب است. اگر بچه‌ها را فقط بترسانیم و تنبیه کنیم، موفقیت‌چندانی به دست نخواهیم آورد و اگر به آنان فقط امید دهیم و تشویقشان کنیم، طبیعی است که از این رفتار سوءاستفاده خواهند کرد؛ اما اگر بیم و امید و تشویق و تنبیه با هم باشد، در علم و عمل به درجات عالی خواهند رسید (دلیری، ۱۳۸۸، ص ۸۰). یکی از مشکلات آموزش و پرورش در دنیا و ازجمله در ایران، این است که در زمینه تشویق و تنبیه دانش‌آموزان، همواره یا راه افراط پیموده است یا راه

تقریظ. زمانی، به دلیل تنبیه شدید دانش آموزان، مدرسه و معلم ترسناک‌ترین چیزها برای آنها بود؛ ولی امروزه در پی نظریه‌های روان‌شناسان رفتارگرا مانند اسکینر، بر ترک تنبیه به شدت تأکید می‌شود، تا جایی که گاه بی‌احترامی به معلم و جدّی نگرفتن درس و مدرسه، امری طبیعی و عادی به شمار می‌رود. از این رو، به نظر می‌رسد در این زمینه، باید راه میانه‌ای در پیش گرفت. همین مطلب در سیاست و زمامداری یک جامعه و حکومت و همچنین عرصه تبلیغ دینی نیز باید در نظر گرفته شود (دلیری، ۱۳۸۸، ص ۸۱). خداوند در قرآن، همه پیامبران الهی و در رأس آنها حضرت محمد(ص) را مَبْشُر و نَذیر (اسراء، ۱۰۵؛ فرقان، ۵۶) می‌نامد. تبشیر، به معنای بشارت دادن به عطایایی است که پس از بر دوش گرفتن تکالیف، به فرد ارزانی خواهد شد و مظهري از فضل و رحمت خدا است (دلیری، ۱۳۸۸، ص ۸۲؛ باقری، ۱۳۷۰، ص ۱۲۴).

در قرآن کریم به طور معمول، هر جا از عذاب الهی و آتش دوزخ مطلبی آمده، در کنار آن از رحمت و مغفرت الهی و همچنین نعمت‌های بهشتی نیز یاد شده است. در دعا‌های اهل بیت(ع) نیز هر جا ترس از عذاب الهی آمده، امید به رحمت او نیز در کنار آن آمده است. بر این اساس است که امام علی(ع) فرمودند: «فقیه، فقیه کامل، کسی است که مردم را از رحمت خداوند نومید نکند و از عذابش ایمنشان نکند و به آنان اجازه معصیت خدا را ندهد» (دلیری، ۱۳۸۸، ص ۸۲؛ باقری، ۱۳۷۰، ص ۱۲۴؛ مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۷۵، ص ۷۴؛ نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۹۰). بنابراین، از نقش‌های اصلی مربیان تربیت به هنگام آموزش امور تربیتی، همراه کردن نیش انذار و نوش تبشیر با یکدیگر است و آموزش هر دو (یعنی خوف و رجاء) و ایجاد تعادل بین آنها، راهی است که همه مبلّغان دین، از پیامبران و امامان و عالمان و واعظان و خطیبان گرفته تا رسانه‌های تبلیغی، باید آن را در نظر داشته باشند.

۴. صلاحیت حرفه‌ای مربیان تربیت دینی

مربیان تربیت دینی بنا به فرموده امام علی(ع) ابتدا باید صلاحیت کافی برای مربّی شدن را داشته باشند؛ که آن هم در جای خود شرایط خاصی را می‌طلبد. برخی از این شرایط عبارتند از:

۱-۴. خائف بودن مربّی

در بسیاری از آیات قرآن کریم به خودشناسی به عنوان مقدمه‌ای برای خداشناسی اشاره شده و خودشناسی را پایه تعلیم و تربیت صحیح دانسته که در نهایت، به خداشناسی می‌انجامد. شناخت خداوند از سوی انسان، باعث ایمان به خدا، تقوای الهی، عبودیت و احساس تکلیف و شکرگزاری او می‌شود (اعراف و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۴۲). به نقل از امام صادق(ع) در حکمت آل داوود آمده است: «اگر خدا را

شناسی و مقام بزرگ او را درک کنی، پیوسته از او می‌ترسی و به وعده‌هایش امید داری» (دلیری، ۱۳۸۸، ص ۲۱؛ مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۶۷، ص ۳۸۳). بنابراین، شناخت خداوند با عبودیت او رابطه متقابل دارد. از یک سو، شناخت خداوند، به خوف از او و پرستش او می‌انجامد و از سوی دیگر، عبادت و پرستش خداوند، سبب افزایش شناخت و در نتیجه، افزایش خوف از او می‌شود (دلیری، ۱۳۸۸، ص ۱۷). خوف، یکی از صفاتی است که همراه ایمان به خداوند، در انسان پدید می‌آید. البته، می‌توان گفت خوف از اجزای ایمان است و دل‌های مؤمنان راستین از این صفت خالی نیست. به روایت امام باقر(ع)، روزی امیرمؤمنان، علی(ع) در عراق، نماز صبح را به جماعت گزارد. پس از آن، مردم را موعظه کرد و از خوف خدا گریست و آنان را نیز گریاند، سپس فرمود: «هان! به خدا سوگند، از عهد دوست صمیمی‌ام، رسول خدا(ص)، گروهی را به یاد دارم که بامدادان و شامگاهان، ژولیده و گردآلود و گرسنه بودند. پیشانی‌شان همچون زانوی بز، پینه بسته بود. برای پروردگار خود با سجده و قیام، شب را سپری می‌کردند. گاه، روی پا ایستاده و گاه، پیشانی بر خاک می‌ساییدند. با پروردگار خود، مناجات و آزادی خود را از آتش دوزخ درخواست می‌کردند. به خدا سوگند! آنان را با این حال دیدم که خائف و نگران بودند» (دلیری، ۱۳۸۸، ص ۱۸؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۳۵؛ نک: مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۶۶، ص ۳۰۷). بنابراین، خوف، از نشانه‌های مؤمنان حقیقی است. که باعث خضوع و خشوع در رفتار خائفان می‌شود و نقل شده است که خوف از خدا باید در رفتار و سیمای شیعیان حقیقی نمایان گردد؛ که در این مورد، می‌توان به حکمت ۹۰ نهج البلاغه توجه نمود.

۲-۴. معرفت‌شناس بودن مربی

نفس وجود معرفت در دل، سبب می‌شود که انسان از خداوند بترسد. بنابراین، معرفت، راهی برای رسیدن به خوف از خداوند نیز هست و کسانی که خدا را به بزرگی شناخته‌اند، با وجودی لبریز از خوف و خشیت نسبت به او، سر به آستان بندگی‌اش می‌گذارند و در برابر عظمت او، به عجز و کوچکی خود اقرار می‌کنند. در قرآن کریم نیز، خشیت از خداوند (یعنی ترس همراه با بزرگداشت او) تنها از آن دانشمندان ذکر شده و گفته شده، دیگران از آن بی‌بهره‌اند: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ؛ از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از او می‌ترسند» (فاطر، ۲۸). تنها دانشمندان هستند که با افزایش دانش، بیشتر به بزرگی آفریننده هستی پی می‌برند و به درک شایسته‌ای از خداوند دست می‌یابند؛ تا جایی که در برابر این همه عظمت و شگفتی، هم بر ایمانشان افزوده می‌شود و هم ترس همراه با بزرگداشت خداوند - که همان خشیت است - وجودشان را فرامی‌گیرد. این آیه قرآنی اشاره به این دارد که دانشمندان به مانند فقیهان کاملی هستند که در حکمت ۹۰ نهج البلاغه از آنها یاد شده است و اینان، همان مربیان سایر انسان‌ها هستند که با شناخت خداوند به معرفت الهی دست می‌یابند و کسانی که به اندازه دانشمندان از دانش توشه نبرده‌اند و

درک کاملی از مبدأ هستی ندارند، به مقام والای خشیت نمی‌رسند؛ ولی می‌توانند به اندازه شناخت خود از خداوند، از او بترسند و به مقام و پاداش خائفان برسند. از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که فرمود: «داناترین مردم به خداوند، خدا ترس‌ترین آنها است» (دلیری، ۱۳۸۸، ص ۲۱؛ تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۹۱۹). رسیدن به این مرتبه از شناخت و خوف از خداوند، برای همه ممکن است و به دانشمندان اختصاص ندارد؛ بلکه غیردانشمندان نیز می‌توانند به این مقام برسند.

دانشمندان در این آیه، به شخص عالم در دین گفته می‌شود و علم از دیدگاه دین، نور است که خدا آن را در دل هرکس که بخواهد هدایتش کند می‌اندازد. امام صادق (ع) در این باره می‌فرمایند: «علم با یادگیری نیست، بلکه نوری است که خداوند در دل کسی می‌افکند که بخواهد راه هدایت را به او بنماید» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۲۵ «به نقل از: امام صادق (ع) در حدیث معروف به حدیث عنوان بصری»). همچنین آن حضرت فرمود: «دانش، نوری است که خدا در دل هرکس بخواهد، می‌افکند» (مصباح الشریعه، ۱۴۰۰ق، ص ۱۶). از دیدگاه دین، میان سواد و علم، تفاوت بسیار است؛ چه بسا کسی که باسواد است، ولی عالم نیست و بسا بی‌سواد که از علم، بهره‌مند است. بنابراین، علم حقیقی سراسر نور است و هرکس که نور علم به دلش راه یابد جزء دانشمندان محسوب می‌گردد و خشیت الهی در دلش راه می‌یابد. و کسی که باسواد و تحصیل کرده باشد و در دلش خبری از ترس و خشیت الهی نباشد، دانشش جز تاریکی و نادانی و غرور و فریب و دوری از خدا چیزی نیست. امام علی (ع) هدف و نهایت و غایت دانش را ترس از خدا و داناترین مردم را، «نیکوکار خائف» و با معرفت‌ترین ایشان را، «خدا ترس‌ترین» آنان دانسته است (دلیری، ۱۳۸۸، ص ۲۱؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۲۳۶).

۵. روش‌های تربیت دینی توسط مربیان حرفه‌ای

تربیت دینی یکی از مهم‌ترین ابعاد رشد و توسعه شخصیت انسان‌ها به‌شمار می‌آید و مربیان حرفه‌ای در این زمینه نقش اساسی دارند. یکی از روش‌های مؤثر در تربیت دینی، استفاده از اصول خوف و رجا است که به معنای ترس از عواقب اعمال ناپسند و امید به رحمت و بخشش الهی می‌باشد. این دو اصل می‌تواند به عنوان دو بال در تربیت دینی عمل کند و باعث تقویت ایمان و اخلاقیات در افراد شود. در نهج‌البلاغه، حکمت ۹۰ به زیبایی به این موضوع اشاره می‌کند که انسان‌ها باید همواره در تعادل بین خوف و رجا قرار داشته باشند، تا به کمال انسانی دست یابند. روش‌هایی مانند تبیین آثار نیک و بد اعمال، استفاده از داستان‌های تربیتی و تشویق به توبه و اصلاح رفتار می‌توانند به تقویت این دو اصل کمک کنند و در نتیجه، تربیتی معنادار و مؤثر را رقم بزنند. در ادامه، به این روش‌ها اشاره می‌شود.

۵-۱. تشویق و تنبیه

تشویق، واژه‌ای عربی از باب «تفعیل»، به معنای به شوق آوردن و راغب کردن به چیزی و کسی را در امری ستودن و به چیزی دلگرم کردن است (دولتی، ۱۳۹۰، ص ۲۷؛ معین، ۱۳۵۰، ص ۱۵-۱۰). و «تنبیه» در لغت به معنای برخاستن و بیدار شدن از خواب غفلت (ابن منظور، ۱۳۷۴، ماده‌ی «تَبَّه») و در اصطلاح، ارائه یک محرک آزاردهنده (ناراحت‌کننده) به یک انسان است که نتیجه آن کاهش قدرت تعداد فراوانی پاسخ‌هایی است که پیش از تنبیه انجام شده است، مانند: انتقاد شدید از یک دانش‌آموز پس از مشاهده رفتار خاص (خوبی‌نژاد و همکاران، ۱۳۷۴، ص ۳۶۴). در قرآن کریم، روش تنبیه و تشویق، روشی پذیرفته شده است؛ زیرا در اسلام، نیکی و بدی و جزای فرد درستکار با خطاکار یکسان نیست. این مسئله در سوره فصلت چنین مورد اشاره قرار گرفته است: «وَلَا تَسْتَوِی الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ؛ هرگز نیکی و بدی یکسان نیست» (فصلت، ۳۴). در قرآن کریم، تمام آیاتی که درباره بهشت و دوزخ است و همه وعده‌های الهی که مورد اشاره قرار گرفته است، به نوعی در جهت تشویق و تنبیه بندگان برای تغییر رفتار و حرکت در جهت کمال مطلق است. برای تشویق و تنبیه، مصادیق مختلفی وجود دارد که در قرآن کریم نیز می‌توان این مصادیق مختلف را مشاهده کرد:

توجه عاطفی (نگاه محبت‌آمیز. لبخند و یا هرگونه احساس تأیید در برابر عمل نیک): «وَإِخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؛ و بال بر سر مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند بگستر» (شعراء، ۲۱۵).
تشویق زبانی (دعا در حق نیکوکار): «أَخْذٌ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلَّى عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ از اموالشان صدقه و کفاره بگیر تا به آن وسیله، تزکیه و پاکشان کنی و برایشان دعا کن؛ زیرا دعای تو موجب آرامش آنها است و خداوند شنوای دانا است» (توبه، ۱۰۳).
پاداش دادن به نیکوکار و محروم نمودن بدکاران از آن: «لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ؛ هرگز دوزخیان و بهشتیان یکسان نیستند، بهشتیان رستگارانند» (حشر، ۲۰).

جریمه و مجازات جبرانی: «در تورات برای بنی اسرائیل مقرر داشتیم که جان در برابر جان، چشم در برابر چشم، بینی در برابر بینی، گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان و هر زخمی را قصاصی است و هرکس از آن درگذرد کفاره گناهان او است و هرکس به احکامی که خدا نازل کرده، حکم نکند، ستمگر است» (مائده، ۴۵).

توبیخ و تنبیه بدنی: «وَكُتِبَ عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛ ماه حرام در برابر ماه حرام و شکستن حرمت‌ها را قصاص است، هرکس به شما تجاوز کرد، بر او همان سان

تعدی کنید، و بترسید از خدا و بدانید که او با پرهیزگاران است» (مائده، ۴۵).

با توجه به آیاتی که مورد اشاره قرار گرفت، مشخص می‌شود که منظور از تشویق، صرفاً جایزه دادن و منظور از تنبیه، کتک زدن نیست و تشویق می‌تواند به صورت ستایش از مهربانی، مهربانی به او، وعده پاداش به او، تشویق زبانی او و... باشد و تنبیه نیز می‌تواند به شکل روی برگرداندن از مهربانی و بی‌توجهی به او، محروم کردن از بعضی مزایا و امکاناتی که در اختیار او بوده است، جریمه و... باشد. بنابراین، می‌توان گفت روش تشویق و تنبیه، دو روشی هستند که با عنوان خوف و رجاء نیز از آن یاد می‌شود و این روش، قابلیت اثرگذاری بر همه دارد.

۲-۵. روش الگویی همراه با عبرت‌آموزی

روش الگویی، یکی دیگر از مهم‌ترین و رایج‌ترین روش‌های تربیتی است. الگو یا همان اسوه، به معنای پیشوا و نمونه و سرمشق است. از جمله آیات: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ بدون شک، برای شما در (اقتدا به) رسول خدا سرمشقی نیکو است، برای آنکه به خدا و روز بازپسین امید دارد» (احزاب، ۲۱)؛ «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ...؛ بی‌گمان برای شما در (پیروزی از) ابراهیم و کسانی که با اویند، سرمشقی نیکو است» (ممتحنه، ۴)؛ «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ؛ همانا برای شما در (پیروی از) آنان، سرمشقی نیکو است» (ممتحنه، ۶). با توجه به آیات قرآن کریم، وجود الگوهای بزرگ همواره عاملی مؤثر در تربیت انسان‌ها به خصوص از دوران کودکی بوده و قرآن کریم، علاوه بر پیامبران، مؤمنان را نیز در ردیف الگو معرفی کرده است: «كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ * وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ»؛ از شب اندکی را می‌خوابیدند و در سحرگاهان از خدا آمرزش می‌خواستند و در اموالشان برای سائل و محروم حقی معین بود» (ذاریات، ۱۷-۱۸). بنابراین، درباره الگوپذیری از بزرگان، یکی از راه‌های معمول، یادگیری و تربیت به روش الگوبرداری از رفتار دیگران است.

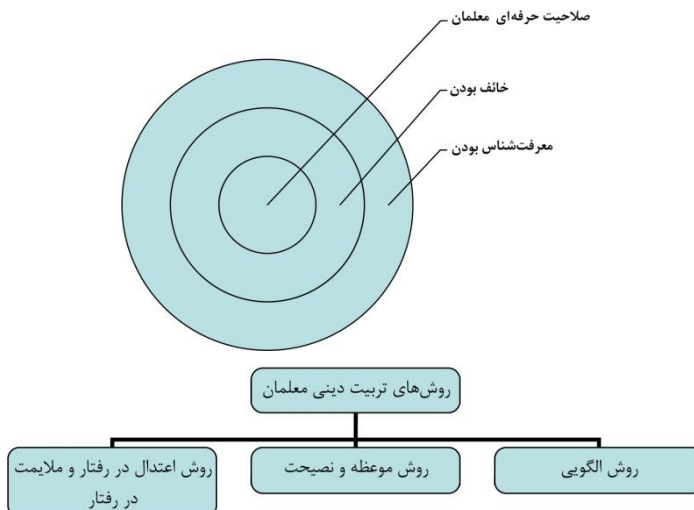
۳-۵. روش موعظه و نصیحت

موعظه، از دیرباز، در جوامع بشری از جایگاه والایی برخوردار بوده است و جوامع بدین وسیله، تجربیات و تأملات خود را به نسل‌های بعدی منتقل می‌کردند. موعظه، از ماده «وعظ»، در معنای صدر به کار می‌رود. منع و بازدارندگی از راه ترساندن و بیم دادن (زیبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۱۲). ارشاد و راهنمایی به اطاعت از خدا و بازداشتن از گناه، خواه از راه بیم دادن و امیدوار کردن یا از راه دیگر را در اصطلاح، موعظه می‌گویند (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۲۹). امروزه، هرگاه سخن از موعظه و نصیحت

پیش می‌آید، نخستین چیزی که مطرح می‌شود، این است که موعظه در مخاطبان تأثیری ندارد و مانند آب در هاون کوفتن است و باید روش‌های دیگری را برای تربیت جست‌وجود کرد. «نقش موعظه در مبارزه با جهالت و غفلت‌زدایی مشخص می‌شود، دانا با موعظه از غفلت خارج می‌شود و جاهل با موعظه به ساحل علم می‌رسد (داودی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۴). موعظه مانند روش‌های دیگر تربیتی، در صورتی مؤثر خواهد بود که شرایط آن رعایت شده باشد. از ویژگی‌ها و شرایط آن می‌توان به این موارد اشاره کرد: همراه با استدلالی محکم و متناسب باشد؛ به تمامی جوانب توجه شود؛ کوتاه و پرمحتوا باشد (پورعلی‌فرد، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۸۱). اعتدال در آن رعایت شود؛ شخصیت مخاطب حفظ گردد؛ از حکمت‌های دلپذیر و لطایف استفاده شود؛ لحن کلام، مشفقانه و با ملایمت و مدارا باشد و تداوم و تکرار داشته باشد (رهبر، ۱۳۷۹، ص ۱۳۷).

۴-۵. روش اعتدال در رفتار و ملایمت در گفتار

اسلام، دین اعتدال و میانه‌روی است و به عبارت روشن‌تر، پرهیز از افراط و تفریط در همه شئون زندگی، رکن و اصل خطاناپذیر است. از این‌رو، امت اسلام در قرآن، امت وسط و الگوی جهانیان معرفی شده‌اند. آنجا که می‌خوانیم: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا؛ شما را امت میانه‌ای قرار دادیم تا برای مردم گواه و الگو باشید» (بقره، ۱۴۳). از این‌رو است که امام علی (ع) از فقیهان کامل - که معلمان زمان هستند - می‌خواهد در آموزش دیگران، حد اعتدال را رعایت کنند؛ به‌طوری که به‌گونه‌ای نباشد که شخصی از آمرزش خدا ناامید شود و یا خیلی امیدوار به رحمت الهی شود و از عذاب الهی غافل گردد (نهج البلاغه، حکمت ۹۰).



۶. نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب گفته شده، چنین به دست می‌آید که مربیان حرفه‌ای در امر تربیت دینی باید دارای صلاحیت باشند. امام علی (ع) در حکمت ۹۰ نهج‌البلاغه، کسانی را دارای این صلاحیت می‌داند که مردم را از آموزش خدا ناامید و از عذاب ناگهانی غافل نسازد. به این حالت، حالت ترس و امید، خوف و رجاء گفته می‌شود؛ که خوف عامل بازدارندگی و رجاء عامل تشویقی محسوب می‌شود. این دو، از ابزار مؤثر تربیت در همه عرصه‌ها از قبیل تربیت فردی، خانوادگی و اداره اجتماع، محسوب می‌گردد و از افراط و تفریط در این موارد جلوگیری می‌کند. براساس حکمت ۹۰ نهج‌البلاغه، مربیان تربیت دینی، زمانی دارای صلاحیت هستند که عابد و خداشناس باشند و همانطور که گفته شد، همواره خداشناسی با خداترسی همراه است. همچنین وجود معرفت، عامل دیگری است که سبب خداترسی انسان می‌شود. بنا به فرموده قرآن، دانشمندان تنها کسانی هستند که از خدا می‌ترسند. بنابراین، دانشمندان دارای معرفت، از خداوند خوف دارند و همانطور که گفته شد، دانشمندان به مانند فقیهانی هستند که در نهج‌البلاغه از آنان سخن به میان آمده بود. در نهایت، برخی از روش‌های ایجاد خوف و رجاء توسط مربیان حرفه‌ای از طریق تشویق و تنبیه، روش‌های الگویی همراه با عبرت‌آموزی، موعظه و نصیحت، اعتدال در رفتار و ملایمت در گفتار هستند. در پایان، باید اذعان کرد که مسئله خوف و رجاء، مسئله‌ای است که فقیهان و دانشمندان دینی در این باره سخنان بسیار گفته‌اند و نظریات متفاوتی داشته‌اند و کتاب‌های بسیار نوشته‌اند. اما امروزه، این مطلب آنطور که باید مورد توجه قرار نگرفته و کمتر کسی از این موضوع اطلاع دارد. بنابراین، لازم است پژوهش‌های بیشتری در این راستا صورت گرفته و اطلاع‌رسانی گردد.

— منابع —

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۳۷۴). *لسان العرب*. بيروت: دارالحياة التراث العربي.
- اعرافى، عليرضا و همكاران (۱۳۸۱). *اهداف تربيت از ديدگاه اسلام*. تهران: سمت.
- امام صادق (ع)، جعفر بن محمد (۱۴۰۰ق). *مصباح الشريعة*. بيروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- باقري، خسرو (۱۳۷۰). *نگاهى دوباره به تربيت اسلامى*. تهران: انتشارات مدرسه، چاپ دوم.
- پورعلی فرد، محمد مهدی (۱۳۷۹). *روش تربیتی دینی نسل جوان و نوجوان*. تهران: شاکر، ج ۱.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). *غررالحکم و دررالکلم*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- حرّعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *وسائل الشیعه*. قم: آل البیت (ع)، ج ۱۵.
- حسن زاده تهرانی، حسن؛ باقری مفرد، محمدرضا (۱۳۹۷). *تربیت دینی از نگاه نهج البلاغه*. در: پنجمین کنفرانس بین المللی و روانشناسی علوم تربیتی و کسب زندگی.
- خویی نژاد، غلامرضا و همکاران (۱۳۷۴). *روانشناسی تربیتی*. تهران: نشر دانشگاه تهران.
- داودی، محمد (۱۳۸۴). *تربیت دینی*. نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم.
- دلیری، کاظم (۱۳۸۸). *تقش تربیتی خوف و رجاء در تکامل انسان*. قم: دفتر عقل، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- دولتی، غلامرضا (۱۳۹۰). *بررسی تشویق از دیدگاه اسلام و فرآیند تقویت از دیدگاه نورفناگراییان رادیکال (اسکینری)*.
- پایان‌نامه کارشناسی ارشد. قم: مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- دهخدا، علی اکبر (بی تا). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ تهران، ج ۶.
- راغب اصفهانی، ابی القاسم (۱۳۶۲). *مفردات الفاظ قرآن کریم*. تحقیق محمد سید گیلانی. کتابفروشی مرتضوی، چاپ دوم.
- رفیعی محمدی، ناصر (۱۳۸۹). *بیست اصل در تربیت*. قم: انتشارات رسول اکرم (ص).
- رهبر، محمدتقی؛ رحیمیان، محمدحسن (۱۳۷۹). *اخلاق و تربیت اسلامی*. تهران: سمت.
- زیبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*. لبنان - بیروت: دارالفکر، ج ۱۳، ۲.
- سبحانی، جعفر (۱۳۷۷). *سیمای انسان کامل در قرآن: تفسیر سورة فرقان*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، چاپ ششم.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۸). *تفسیر المیزان*. ترجمه محمدباقر موسی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱۱، ۴.
- علوی‌زاده، صبا (۱۴۰۰). *تربیت اسلامی از دیدگاه امام علی (ع)*. رهیافت‌های نوین، ۳ (۸).
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الإسلامیه. چاپ چهارم، ج ۲، ۸.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶). *بحار الانوار*. نشر اسلامی، ۷۵، ۶۷-۶۶، ۱، ۹۷.
- مرکز کامپیوتری علوم اسلامی نور (۱۳۹۲). *لغت‌نامه قاموس*.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). *اخلاق در قرآن*. تحقیق و نگارش: محمدحسین اسکندری. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۱.

- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۴). *تعلیم و تربیت در اسلام*. تهران: انتشارات الزهراء، چاپ ششم.
- معین، محمد (۱۳۵۰). *فرهنگ معین*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مهدی‌زاده، حسین (۱۳۸۱). *کاوشی در ریشه قرآنی تربیت و پیامدهای معنایی آن*. معرفت، شماره ۵۹.
- نقیسی، علی‌اکبر (بی‌تا). *فرهنگ نقیسی*. تهران: خیام، ج ۵.
- نوری، حسین (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل*. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع)، ج ۱۱.
- وحید بهبهانی، محمدباقر (۱۴۱۷ق). *حاشیه مجمع الفائدة والبرهان*. قم: مؤسسه العلامة المجدد الوحید البهبهانی.
- وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۰). *مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران*.
- هاشمی شاهرودی، محمود (بی‌تا). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)*. قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، ج ۶.